

بررسی سیستماتیک تأثیر طلاق بر فرزندان در پژوهشی‌های اخیر

فرامرز قلی زاده اردکانی^۱؛ یعقوب همتی^۲

۱. استاد دانشگاه، دکترای روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد

چکیده

طلاق را می‌توان از پدیده‌هایی دانست که از دیرباز در جوامع مختلف وجود داشته است اما در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. طلاق را می‌توان بدعتی اجتماعی می‌داند که به عنوان ابزاری اجتماعی در مواجهه با شکست در ازدواج به کار گرفته می‌شود. علل بسیاری برای طلاق مطرح شده است که از جمله آن‌ها مشکلات جنسی، مالی، و اختلالات روانی را می‌توان برشمرد. در پژوهش‌های مختلف مشخص شده است که طلاق دارای پیامدهای منفی فراوانی برای زوجین و از جمله فرزندان طلاق است. مشکلاتی همچون افت تحصیلی، عزت نفس پایین، به وجود آمدن اختلالات روانی مختلف، خودکشی، مصرف مواد و ... از جمله اثرات طلاق بر فرزندان زوجین است. نتایج مرور پژوهش‌های مختلف نشان داد که می‌توان با استفاده از ابزارها، امکانات و مداخله‌های مختلف روانشناختی از اثرات منفی طلاق بر فرزندان پیشگیری یا آن‌ها را درمان کرد.

کلیدواژگان: طلاق، فرزندان طلاق، والدین، اثرات طلاق

مجله مطالعات نوین
در علوم زیستی و سلامت

دوره: ۱

شماره: ۱

فروردین ۱۳۹۸

صفحه: ۲۶-۳۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۷

تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

Journal of New Studies
in Life sciences and
health

Vol: 1

No.: 1

Season & Year: April 2019

Page: 26-39

* ایمیل نویسنده مسئول: Faramarzgholizade20@gmail.com

مقدمه

در طول تاریخ، خانواده از اساسی‌ترین ارکان هر جامعه‌ای بوده است. خانواده و ازدواج در تمام ادیان و فرهنگ‌ها مقدس شمرده شده و جایگاهی والایی داشته است. خانواده طبیعی‌ترین و مشروع‌ترین واحد تولید مثل و فراگیرترین واحد اجتماعی به شمار می‌آید و نقش اصلی آن انتقال ارزش‌ها، پرورش نسل، ایجاد تعادل روانی، اجتماعی و عاطفی است. خانواده جایی است که در آن کودکان با یادگیری ارزش‌ها، هنجارها و تربیت روانی مناسب برای ایفای نقش مثبت در بزرگسالی آماده می‌شوند (رئیزی و همکاران ۱۳۹۱). اما نهاد خانواده می‌تواند به دلایل بسیاری دچار تزلزل شود. مشکلات مالی، ناامنی اجتماعی، عدم آشنایی زوجین با برخی از مهارت‌های اساسی زندگی مشترک، وجود داشتن تضادهای فرهنگی، قومی، زبانی، اقتصادی و اجتماعی بین زوجین، تفاوت‌های شخصی‌یتی اساسی در بین زوجین و یا مشکلات روانی در یک یا هر دو زوج، ناباروری، و بسیاری از علل دیگر می‌تواند زمینه‌ساز به وجود آمدن اختلافات خانوادگی شود که در صورت عدم پیشگیری می‌تواند به طلاق ختم شود.

بدیهی است که در برخی مواقع طلاق یک امر مطلوب و پسندیده است که می‌تواند زندگی یک یا هر دو زوج را از یک رابطه خفقان آور نجات داده و باقی زندگی آنان را با آرامش توأم سازد. اما برخلاف اندیشه بعضی افراد طلاق پایان راه نیست، بلکه می‌تواند آغازی بر بسیاری از مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی برای زوجین و به خصوص کودکان این رابطه فروپاشیده شود. در مطالعات بسیاری مشخص شده است که فرزندان طلاق آسیب‌های فراوانی از این رویداد می‌خورند که می‌تواند زندگی آنان را برای همیشه تحت‌الشعاع خود قرار دهد. در این مرور مختصر ابتدا به بررسی موضوع طلاق، میزان شیوع آن در جوامع مختلف و به خصوص ایران و راه‌های پیشگیری از آن پرداخته می‌شود. در ادامه کار به بررسی پیامدهایی که طلاق می‌تواند بر فرزندان این زوجین داشته باشد پرداخته می‌شود.

طلاق چیست؟

طلاق رویدادی است که همه با آن آشنایی دارند اما با این‌همه شاید تعریف آن دشوار باشد. از نظر لغوی در لغت نامه دهخدا طلاق به معنی رها شدن از قید نکاح، رها شدن زن از عقد نکاح و فسخ کردن عقد نکاح آورده شده است (دهخدا، ۱۳۷۳). در ساده‌ترین عبارت می‌توان طلاق را جدایی قانونی دو زوج از یکدیگر دانست.

اخوان تفتی (۱۳۸۲) طلاق را بدعتی اجتماعی می‌داند که به عنوان ابزاری اجتماعی در مواجهه با شکست در ازدواج به کار گرفته می‌شود. غالباً در فرایند طلاق یکی از طرفین وابستگی، درگیری عاطفی و رنج بیشتری را متحمل می‌شود و مدتی طولانی‌تر را در بحران به سر می‌برد. از نظر وایزمن (۱۹۷۵) به نقل از اخوان تفتی، (۱۳۸۲) نیز طلاق فرایندی است که با تجربه بحران عاطفی هر دو زوج شروع می‌شود و با سعی در حل تعارضات زناشویی از طریق جدایی با ورود به موقعیتی جدید با نقش‌ها و سبک زندگی متفاوت خاتمه می‌یابد. اما همانطور که مشاهده می‌شود طلاق شروع و پایانی دارد و به عبارتی فرایند خاصی را طی می‌کند.

برخی از کارشناسان بر این باورند که فرایند طلاق در اکثر مواقع این سیر را طی می‌کند: اختلافات جزئی، تکرار اختلافات جزئی و جدی شدن آن‌ها، جدایی یا بی‌میلی یکی از زوجین به طرف مقابل، قهرهای طولانی و تکرار آن، خستگی زوجین از قهرها و درگیری‌ها، طلاق عاطفی، طلاق قانونی (محمدی ۱۳۸۳، به نقل از باستانی، گلزاری و روشنی ۱۳۹۰). علاوه بر این فرایند، نظریه‌هایی نیز در زمینه مراحل و فرایندهای طلاق مطرح شده است که در زیر به بررسی یکی از مهمترین نظریات پرداخته می‌شود.

در این قسمت نظریه تحولی گهرن و همکاران شرح داده می‌شود تا فرایند طی شدن مسیری که به طلاق می‌انجامد روشن‌تر شود. از دید تحولی، تعارض زناشویی اساساً از یک زوج به زوج دیگر نه فقط با توجه به مسایل خاصی که حول آن‌ها تعارض شکل گرفته است بلکه به گونه‌ای مهم‌تر با توجه به طول عمر و شدت تعارض متفاوت است. در رویکرد تحولی آن‌ها به تعارض زناشویی، زوج‌ها چهار مرحله را طی می‌کنند که در مرحله اول که موسوم به مخالفت اولیه است هر دو زوج از خانواده خوش کارکردی می‌آیند که فقط استرس اندکی داشته‌اند. در این دوره برنامه‌های آموزشی و پیشگیرانه موسوم به آموزش سیستم‌های خانواده توصیه می‌شود. در مرحله دوم یا تعارض تکرار شونده، درمانگر با حرکت کردن مستقیم به سمت تعارض زناشویی روی راههای حفظ رابطه یا آمیزش عاطفی یا هردو کار می‌کند. این ساختار موجب کاهش برانگیختگی هیجانی و اضطراب زوج‌ها می‌شود تا دوباره توجه‌شان را روی خود متمرکز کنند. مرحله سوم یا تعارض شدید ویژه زوج‌هایی است که ادامه ازدواج را بازی مرگ و زندگی می‌دانند، مداخلات سیستمی در این مرحله می‌تواند مفید باشند. و سرانجام، در مرحله چهارم یا رابطه تشدید یافته زوج‌ها که مشخصه بارز آن "گرفتن وکیل" توسط یکی یا هر دو زوج است، درمان رابطه کارساز نیست و درمان فردی هر یک از زوج‌ها و کمک به اطرافیان آن‌ها مانند والدین و فرزندان، درمان ارجح است. در این مرحله، طلاق می‌تواند ابزاری برای مدیریت تعارض باشد که موجب آرامش

خاطر شده و به ناراحتی و خصومت خاتمه می‌دهد (گهرن، فای، کاتو، و بوردین ۱۹۸۷، به نقل از بهاری و همکاران، ۱۳۹۰). در این مرحله است که رابطه قبلی پایان می‌یابد و زوجین و در کنار آنان کودکان باید خود را برای زندگی جدید آماده کنند که چه بسا دشوارتر از قبل باشد.

مقایسه طلاق در کشورهای مختلف

به نظر می‌رسد که میزان طلاق در تمام دنیا رو به افزایش باشد. برای مثال می‌باشد گولد و همکاران (۱۹۹۸) اظهار می‌دارند که در سه دهه منتهی به سال ۲۰۰۰ طلاق روبه افزایش بوده است. اگرچه میزان طلاق از جامعه‌ای به جامعه دیگر بسیار متفاوت است اما این پدیده در بسیاری از کشورها و فرهنگ‌ها بسیار رایج است. نزدیک به یک سوم از ازدواج‌ها در استرالیا، انگلستان، و ولز به طلاق ختم می‌شود. این میزان در ژاپن یک چهارم از هر ازدواج را شامل می‌شود. اما شاید بالاترین آمار طلاق در امریکا ثبت می‌شود. بیش از نیمی از ازدواج‌ها در ایالات متحده به طلاق ختم می‌شود (فلیکس و همکاران ۲۰۱۳).

اما فراوانی طلاق در ایران در مقایسه با برخی کشورهای صنعتی غرب و حتی برخی جوامع جهان سوم و مسلمانان نظیر الجزایر بالاست. اعلام افزایش سه درصد ازدواج و ۱۱ درصد طلاق در سال ۱۳۸۷ نسبت به سال ۱۳۸۶ از سوی سازمان ثبت احوال دلیلی بر این مدعاست (رئیزی و همکاران ۱۳۹۱، به نقل از سازمان ثبت احوال ۱۳۸۷). روند تاریخی طلاق در ایران در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی و پس از آن نشان می‌دهد که در سال‌های ۵۴ و ۵۵ میزان طلاق در بالاترین سطح خود یعنی ۹ درصد قرار داشته است. اما پس از انقلاب این میزان به ۶ درصد می‌رسد و سپس به تدریج بالا می‌رود و مجدداً در سال ۱۳۶۳ به میانگین ۹ درصد باز می‌گردد (شورای نویسندگان ۱۳۷۷). همچنین در طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ میزان طلاق از ۸/۴۲ مورد در هر ۱۰ هزار به ۱۲/۲۱ در هر ۱۰ هزار در سال ۱۳۸۴ می‌رسد (علیزاده ۱۳۸۵). طبق آمار سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۹۱ تعداد ۱۵۰۳۲۴ طلاق در کشور ثبت شده است و نسبت ازدواج به طلاق در کشور در این سال ۵/۵ می‌باشد که به معنی ثبت یک طلاق در برابر هر ۵/۵ ازدواج است (سازمان ثبت احوال کشور ۱۳۹۲).

عوامل مؤثر بر طلاق

برای پیشگیری از طلاق باید به عوامل زمینه ساز آن پرداخت. در رابطه با عوامل زمینه ساز تاکید عجیبی بر کیفیت روابط جنسی شده است. بسیاری از پژوهشگران و صاحب نظران علت اصلی طلاق در ایران را مربوط به عوامل جنسی و نارضایتی جنسی دانسته اند برای مثال کی نیا (۱۳۸۴) بیان می دارد که ناهماهنگی روابط جنسی و عدم رعایت نیاز جنسی یکدیگر سهم عظیمی در مساله خیانت دارد و خیانت ضربه مهلکی بر پیوند زناشویی وارد می دارد. اگرچه عوامل جنسی می تواند بر طلاق اثرگذار باشد، اما ارائه آمارهای دور از ذهن در این زمینه نیز نمی تواند پاسخگوی ذهن جتماع دانشگاهی باشد. برای مثال همین نکته بس که اضطراب می تواند باعث انزال زودرس در مردان و ارگاسم دیررس در زنان شود (سادوک و سادوک ۲۰۰۷). این عامل می تواند کیفیت روابط جنسی زوج را به خطر اندازد و آنان را به سمت طلاق سوق دهد اما سوالی که مطرح می شود این است که آیا واقعاً مشکلات جنسی دلیل طاق بوده اند؟ در ظاهر بلی اما در اصل عواملی مانند تنش های زوجین و اختلافات سار حوزه های زندگی سبب بروز اضطراب در این افراد می شود و این اضطراب خود را در قالب جنسی نشان می دهد.

اما علاوه بر مسائل جنسی، در پژوهش های مختلف عواملی دیگری نیز در طلاق مؤثر دانسته شده اند. در پژوهشی بر روی ۴۵ زن و ۲۴ مرد مطلقه، عدم تفاهم اخلاقی (۸۳ درصد) اعتیاد (۴۲ درصد) و دخالت خانواده ها (۳۳ درصد) شایع ترین عوامل منجر به طلاق بوده اند. مشکلات مالی (۳۰ درصد) و بیماری های روانی (۲۴ درصد) موارد بعدی گزارش شده در این پژوهش بوده اند (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳).

راه های مؤثر در کاهش طلاق

از آنجا که برخی از عوامل طلاق ناشی از کمبود آموزش های زوجین است، در برخی پژوهش ها بر این موضوع تاکید شده است. برای مثال در پژوهشی در سال ۱۳۹۰ در اصفهان مشخص شد که آموزش مهارت های ارتباط همسران در کاهش واکنش های هیجانی، جلب حمایت فرزندان، رابطه با اقوام و دوستان خود، و میزان کلی تعارض زناشویی زوج های متقاضی طلاق مؤثر بوده است (بهاری و همکاران ۱۳۹۰). بنابراین این آموزش های می تواند به صورت اجباری در آمده و از هزینه های مالی، اجتماعی و روان شناختی بعدی پیشگیری شود. کاملی (۱۳۸۶) راهکارهای جامعی را برای کاهش طلاق بیان کرده است که در زیر آورده شده اند:

- ۱) فراگیر کردن فرهنگ گفتگو بین خانواده‌ها.
- ۲) پرهیز خانواده‌ها از ازدواج‌های سهل گیرانه و سرسری.
- ۳) توسعه مراکز آموزشی مشاوره خانواده قبل و بعد از ازدواج.
- ۴) برگزاری کلاس‌های آموزشی مدیریت حل بحران برای خانواده‌ها و جوانان قبل از ازدواج و زوج‌هایی که دچار اختلاف هستند.
- ۵) ایجاد، توسعه و تقویت مراکز امداد و ارشاد در کنار دادگاه‌های خانواده برای کمک به خانواده‌های دچار اختلاف.
- ۶) برگزاری آموزش حقوقی در زمینه ازدواج، مشاوره خانواده برای دختران و پسرانی که در آستانه ازدواج قرار دارند.
- ۷) آموزش و استفاده از فرهنگ و مؤلفه‌های دینی و اسلامی و اخلاقی در تحکیم پایه‌های خانواده.
- ۸) آموزش و دانش افزایی والدین نسبت به روحیات جوانان.
- ۹) تلاش والدین در جهت پرهیز فرزندان از ازدواج‌های ناسنجیده.
- ۱۰) اتخاذ تدابیر مناسب جهت اصلاح قوانین و ساختارهای حقوقی، اقتصادی و فرهنگی به منظور پیشگیری از طلاق و تقویت عوامل و اهرم‌های بازدارنده آن.
- ۱۱) خانواده‌ها باید زمینه‌های لازم را برای شناخت بهتر طرفین از روحیات و آشنایی آنان با حقوق همدیگر فراهم کنند تا زوج‌ها در آینده با مشکل مواجه نشوند.
- ۱۲) پرهیز خانواده‌ها از ازدواج‌های تحمیلی برای فرزندان خود.
- ۱۳) پرهیز خانواده‌ها از دخالت‌های بدون آگاهی و بینش در زندگی فرزندان.
- ۱۴) تقویت اخلاق، معنویت و صمیمت در خانواده به منظور جلوگیری از ظلم و فروپاشی ارکان خانواده و تحکیم آن؛
- ۱۵) به خاطر اینکه اکثر طلاق‌ها ریشه اقتصادی دارند؛ بنابراین لازم است خانواده‌ها و نهادهای دولتی کمک‌ها و حمایت‌های مالی خود را از خانواده‌های دچار مشکل دریغ ندارند.
- ۱۶) پرهیز زوجین از معاش‌های غیر اخلاقی و ناپسند.

روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع کتابخانه‌ای بود. از میان بانک‌های اطلاعاتی ایرانی سه بانک اطلاعاتی SID، مگ ایران و نور مگز انتخاب و تمام مقالات این سه پایگاه در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفتند. پس از گردآوری و بررسی پژوهش‌های موجود، در نهایت چند پژوهش برجسته ایرانی انتخاب شدند. از میان بانک‌های اطلاعاتی بین‌المللی نیز ساینس دایرکت، پاب مد، گوگل اسکولار و جان وایلی در حد فاصل سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۳ مورد بررسی قرار گرفته و پژوهش‌های مناسب در این بانک‌ها نیز انتخاب و مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها

اثرات طلاق بر کودکان

مهمترین عامل فروپاشی خانواده متارکه یا طلاق است. به دنبال طلاق و از هم گسیختگی شبکه اجتماعی خانواده این احساس در فرزند ایجاد می‌شود که مورد پذیرش، حمایت و احترام نیست. لذا می‌تواند زمینه را برای مشکلات عاطفی و رفتاری فراهم سازد (رئیسی و همکاران ۱۳۹۱). انحراف از هنجار جامعه مانند خانواده‌های دچار طلاق، با طیف وسیعی از مشکلات دوران کودکی نظیر عزت‌نفس پایین، افزایش خطر کودک‌آزاری، افزایش میزان بروز طلاق در بزرگسالی و افزایش میزان بروز اختلالات روانی در بزرگسالی همراه است (ظهیرالدین و خدایی‌فر، ۱۳۸۲). عده‌ای از محققان عقیده دارند که طلاق زوجین سبب بروز عوارضی در کودکان می‌گردد که به طور خلاصه عبارتند از: دست به دست شدن کودک، احساس محرومیت و بدبختی، پناه‌جویی‌ها، انتقام‌جویی‌ها، بی‌بند و باری، لغش و انحرافات همانند بزهکاری و عصیان (شورای نویسندگان ۱۳۷۷). در این قسمت به بررسی پیامدهایی که فرزندان طلاق با آن‌ها روبرو می‌شوند پرداخته می‌شود.

طلاق و خودکشی در کودکان

در زمینه رابطه طلاق و خودکشی اختلاف نظر بسیاری در میان صاحب‌نظران وجود دارد. برخی عقیده دارند که طلاق هم باعث افزایش خودکشی در زوجین و هم در فرزندان می‌شود اما برخی نیز با این نظر مخالف‌اند. برای مثال در یک مطالعه بزرگ در گنگ کنگ، تایوان، ژاپن، کره جنوبی و استرالیا مشخص شد که نرخ خودکشی

در افراد طلاق گرفته بیشتر از سایر افراد بود. همچنین مشخص شد که این اثر منفی بر روی زنان بیشتر از مردان است (یپت و همکاران^۱ ۲۰۱۲). اما در زمینه تأثیر طلاق بر خودکشی در کودکان نیز مطالعاتی انجام گرفته است.

در چندین پژوهش مشخص شده است که طلاق با خودکشی کودکان رابطه دارد. برای مثال ظهیرالدین و خدایی فر (۱۳۸۲) عقیده دارند که یکی از عوامل پیش‌بینی کننده خودکشی در نوجوانان، طلاق یا جدایی اخیر والدین می‌باشد. اما در پژوهشی متناقض که در آمریکا انجام گرفت، محققان اظهار کردند که افزایش خودکشی در طول سه دهه اخیر به احتمال کمی قابل انتساب به افزایش نرخ طلاق می‌باشد (گولد و همکاران^۲ ۱۹۹۸). ایراد اساسی که به این پژوهش وارد است این است که نمی‌توان طلاق را تنها علت خودکشی دانست و این عقیده که بتوان خودکشی در نوجوانان را تنها با طلاق والدین آنان پیش‌بینی کرد امری تقریباً محال است. اما می‌توان اینگونه بیان داشت که طلاق والدین می‌تواند تأثیری هر چند اندک بر خودکشی فرزندان داشته باشد.

طلاق و مصرف مواد در کودکان

بیشتر بودن مصرف مواد در کودکان طلاق همواره مورد توجه محققان و صاحب‌نظران بوده است. در اکثر پژوهش‌های انجام شده این موضوع مورد تأیید قرار گرفته است. ماier و همکاران^۳ (۲۰۰۰)، نقل از فلیکس و همکاران^۴ (۲۰۱۳) در مطالعه خود دریافتند در مردانی که در کودکی والدین‌شان از همدیگر طلاق گرفته‌اند، میزان مصرف مواد در سال‌های بعدی زندگی افزایش می‌یابد. در پژوهشی نیز در فرانسه که توسط ساکی و همکاران^۵ انجام گرفت، محققان به بررسی اثر به هم پیوسته طلاق و تاریخچه افسردگی والدین بر مصرف شاهدانه در نوجوانان پرداختند. ۲۳ درصد از نوجوانان گزارش کردند که در طول یکسال اخیر حداقل یکبار شاهدانه مصرف کرده‌اند که از این میان ۱۵ درصد آنان دارای والدین طلاق گرفته و ۳۰ درصد دارای والدینی با تاریخچه افسردگی بودند. یافته دیگر پژوهش آنان این بود که همبستگی معناداری میان طلاق والدین و مصرف شاهدانه در نوجوانان به دست نیامد (ساکی و همکاران^۵ ۲۰۱۲). البته در زمینه تعمیم نتایج این پژوهش به نوجوانان

1 Yipet al

2 Gould et al

3 Maier et al

4 Felix et al

5 Sakyi et al

ایرانی باید با احتیاط عمل کرد. اولاً در کشورهای غربی نوجوانان وابستگی زیادی به والدین خود ندارند در حالی که در بسیاری از خانواده‌های ایرانی نوجوانان و حتی جوانان تا سال‌های زیادی به والدین خود وابسته می‌مانند. دلیل دوم این است که در کشورهای پیشرفته سیستم حمایتی قوی برای فرزندان طلاق وجود دارد و از نظر اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی هزینه بسیاری برای آنان می‌شود. در ایران اکثر فرزندان طلاق به نوعی رها می‌شوند و ممکن است چتر حمایتی لازم برای آنان فراهم نشود. این احتمال وجود دارد که در پژوهش‌های داخلی نتیجه مغایری با پژوهش بالا به دست آید هر چند باید در مطالعات آینده این موضوع مورد بررسی قرار گیرد.

طلاق و اختلالات خلقی در کودکان

طلاق والدین دارای اثرات روان‌شناختی مختلفی است که از جمله آن‌ها به وجود آمدن اختلالات خلقی از جمله افسردگی در کودکان و نوجوانان است. عبدالهیان و همکاران (۱۳۸۰) پژوهشی را بر روی ۲۰۷۱ کودک (۱۰۲۲ دختر و ۱۰۴۹ پسر) در مشهد انجام دادند تا فراوانی مقطعی افسردگی را در آن‌ها بررسی کنند. آنان دریافتند که طلاق والدین در کنار عاملی همچون تغییر محل سکونت، تغییر مدرسه، سطح اجتماعی - اقتصادی خانواده، تعداد افراد خانواده، سابقه بیماری عصبی روانی در خانواده، فوت بستگان، ... در بروز افسردگی در کودکان موثر است.

طلاق و اختلالات اضطرابی در کودکان

در زمینه رابطه طلاق و اختلالات اضطرابی نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته است که در اینجا به یک نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. در پژوهشی در بیرجند اضطراب و پرخاشگری ۸۰ دانش‌آموز خانواده‌های طلاق گرفته و ۸۰ دانش‌آموز خانواده‌های عادی با هم مقایسه شدند. نتایج این پژوهش نشان داد که هم اضطراب و هم پرخاشگری در فرزندان خانواده‌های گسسته بیشتر از فرزندان خانواده‌های پیوسته می‌باشد. همچنین میزان اضطراب در دختران خانواده‌های گسسته بیشتر از پسران و میزان پرخاشگری در پسران خانواده‌های گسسته بیشتر از دختران بود (کاهنی، حسن‌آبادی و سعادت جو ۱۳۷۹).

طلاق و افت تحصیلی در کودکان

در چند پژوهش اثرات طلاق بر افت تحصیلی کودکان مورد بررسی قرار گرفته است برای مثال آماتو (۲۰۰۱)، به نقی از اخوان تفتی (۱۳۸۲) افت تحصیلی را در کودکان طلاق نسبت به کودکان عادی بیشتر گزارش کرده است.

وادزبای و سودین^۱ (۱۹۹۶) نیز به بررسی اثرات طلاق بر پیشرفت تحصیلی کودکان پرداخته‌اند. آنان ۷۴ کودک را که والدینی طلاق گرفته داشتند را در یک بازه شش ساله مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که طلاق والدین به خودی خود نمی‌تواند به طور معناداری پایه تحصیلی کودکان را تغییر دهد. به این معنا که کودکان طلاق و کودکان عادی از نظر پایه تحصیلی وضعیت مشابهی دارند و کودکان طلاق عقب ماندگی در این زمینه ندارند. اما این احتمال وجود دارد که کاهشی در پیشرفت تحصیلی فرزندان طلاق به وجود بیاید اما این کاهش به اندازه‌ای نباشد که باعث عقب افتادن در پایه تحصیلی شود. این موضوع باید در پژوهش‌های آتی بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

سایر پیامدهای طلاق در کودکان

مشکلات رفتاری، عاطفی، عزت نفس پایین و روابط بین فردی ضعیف، صرفنظر از عامل جنس و سن در بین بچه‌های طلاق بیشتر از بچه‌های غیر طلاق گزارش شده است. عوامل تنش‌زا و بحرانی که والدین به هنگام طلاق و پس از آن تجربه می‌کنند بر کیفیت نقش والدینی‌شان افزوده می‌شود (آماتو ۲۰۰۱، به نقی از اخوان تفتی ۱۳۸۲).

پیشگیری و درمان

انواع روش‌های مشاوره‌ای و درمانی در پیشگیری و درمان اختلالات و مشکلات روان‌شناختی کودکان طلاق مطرح شده‌اند. در پژوهشی بر روی کودکان در ایران مشخص شد که آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان زوجین طلاق گرفته می‌تواند بر اختلال سلوک و مشکلات با همسالان اثرگذار باشد (رئیزی و همکاران، ۱۳۹۱). کرمی و همکاران آذر سال ۲۰۱۲ پژوهشی را بر روی ۲۰ کودک طلاق در ایران انجام دادند. در این پژوهش

1 Wadsby & Svedin

2 Karami et al

اثرات مشاوره با رویکرد شناختی- رفتاری بر روی کاهش افسردگی کودکان طلاق که تحت پوشش مراکز بهزیستی تهران بودند مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که این شیوه مشاوره می‌تواند افسردگی را در کودکان طلاق کاهش دهد (کرمی و همکاران ۲۰۱۲).

همچنین گروه درمانی هیجان‌مدار، بازی درمانی گروهی و قصه درمانی گروهی نیز در درمان اختلالات روانی و افزایش سلامت روان فرزندان طلاق مورد بررسی قرار گرفته و موثر دانسته شده‌اند (برای مثال رجوع کنید به، ارجمندی راد و دلگشاد ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

طلاق را می‌توان شمشیری دولبه دانست که در برخی مواقع مطلوب و پسندیده بوده و در برخی مواقع موجب مشکلات بسیاری می‌شود. شاید بتوان گفت که اصلی‌ترین قربانی طلاق کودکان هستند. همان‌گونه که اشاره شد، طلاق سبب به وجود آمدن مشکلات کوناگونی همچون خودکشی، مصرف مواد و دخانیات، ابتلا به اختلالات خلقی و اضطرابی، افت تحصیلی، کاهش عزت نفس و موارد بسیاری دیگر در کودکان می‌شود. برای پیشگیری و درمان مشکلات این کودکان چند راهکار وجود دارد. مورد اول کاهش نرخ طلاق است، چرا که طبق پژوهش‌ها برخی از موارد طلاق با یک آموزش ساده قابل پیشگیری هستند. مورد دوم فراهم کردن حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از فرزندان طلاق بعد از این رویداد است. کودکان را باید از جارجنجال‌های قانونی دور نگهداشت و با قوانین مناسب آینده آنان را نجات داد. مورد سوم نیز که مربوط به دست‌اندرکاران حوزه سلامت روان است، مداخلات روان‌شناختی قبل و بعد از طلاق است. با توجه به این‌که هم‌اکنون مداخلات مناسب و از نظر تجربی قابل حمایتی در این زمینه وجود دارد، می‌توان با توسل به آن‌ها پیامدهای منفی این رویداد را تا حد امکان برای فرزندان این زوجین کاهش داد.

منابع

- رئیسی، رویا؛ گنجی، فروزان؛ شاهمرادی، رضوان؛ مردان پور شهرکردی، الهام؛ شیمان، آلبرت؛ نکویی، افسانه؛ فانیان، نسرین؛ نیک فرجام، مسعود. (۱۳۹۱). تأثیر جلسات مشاوره حضوری آموزش مهارت های زندگی بر سلامت روان فرزندان خانواده های طلاق. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۳۰ تا ۳۷.
- کاهنی، سیمای حسن آبادی، محسن؛ سعادت جو، سیدعلیرضا. (۱۳۷۹). مقایسه اضطراب و پرخاشگری در نوجوانان ۱۲-۱۹ سال خانواده های گسسته و پیوسته. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۷، شماره ۱، ص ۹ تا ۱۵.
- ظهیرالدین، علیرضا؛ خدایی فر، فاطمه. (۱۳۸۲). بررسی نیمرخ های شخصیتی مراجعین طلاق به دادگاه خانواده تهران در سال ۱۳۸۰. دوماهنامه علمی-پژوهشی فیض، دوره ۷، شماره ۲۵، ص ۱ تا ۷.
- بهاری، فرشاد؛ فاتحی زاده، مریم؛ احمدی، سید احمد؛ مولوی، حسین؛ بهرامی، فاطمه (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مهارت های ارتباط همسران بر کاهش تعارض های زناشویی زوج های متعارض متقاضی طلاق. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، دوره ۱، شماره ۱، ص ۵۹ تا ۷۰.
- باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود؛ روشنی، شهره. (۱۳۹۰). پیامدهای طلاق عاطفی و استراتژی های مواجهه با آن. خانواده پژوهی، سال ۷، شماره ۲۶، ص ۲۴۱ تا ۲۵۷.
- اخوان تفتی، مهناز. (۱۳۸۲). پیامدهای طلاق در گذار از مراحل آن. مطالعات زنان، سال ۱، شماره ۳، ص ۱۲۵ تا ۱۵۱.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۷). لغت نامه دهخدا. چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شورای نویسندگان اداره کل زندان های استان اذربایجان غربی. (۱۳۷۷). طلاق و بچه های طلاق. اصلاح و تربیت، سال ۴، شماره ۴۵، ص ۲۱ تا ۲۲.
- علیزاده، مرجان. (۱۳۸۵). بررسی روند آمار ازدواج و طلاق های ثبت شده کشور از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴. نشریه جمعیت، شماره ۵۵ و ۵۶، ص ۲۹ تا ۴۴.
- سازمان ثبت احوال کشور. (۱۳۹۲). آمار طلاق در کشور در سال ۱۳۹۱. آدرس اینترنتی: <http://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4760>
- سادوک، بنیامین، سادوک، ویرجینیا آلکوت. (۲۰۰۷). خلاصه روانپزشکی. ترجمه فرزین رضاعی. (۱۳۸۹). جلد دوم، تهران، انتشارات ارجمند.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۸۴). عوامل روانی طلاق. ماهنامه قضایی، شماره ۴۵، ص ۴۶ تا ۶۰.
- کاملی، محمدجواد. (۱۳۸۶). بررسی توصیفی علل و عوامل موثر در بروز آسیب اجتماعی طلاق در جامعه ایران با توجه به آمار و اسناد موجود. فصلنامه دانش انتظامی، سال ۹، شماره ۳، ص ۱۷۹ تا ۱۸۰.

- قطبی، مرجان؛ هلاکویی نایینی، کوروش، جزایریف سید ابولقاسم؛ رحیمی، عباس. (۱۳۸۳). وضعیت طلاق و برخی عوامل موثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد. راه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۲، ص ۲۷۱ تا ۲۸۶.
- عبدالهیان، ابراهیم؛ یزدانی فارابی، شفق؛ امیری مقدم، رضا. (۱۳۸۰). فراوانی مقطعی افسردگی در کودکان دبستانی از طریق روش غربالگری. مجله دانشکده پزشکی مشهد، دوره ۴۴، شماره ۷۴، ص ۲۴ تا ۳۱.
- ارجمندی راد، شیرین؛ دلگشاد، ثاکو. (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی قصه درمانی گروهی بر میزان اضطراب جدایی و افسردگی در کودکان طلاق. ششمین کنگره روانپزشکی کودک و نوجوان. تبریز.
- Karami, Soheila, Ghasemzadeh, Azizreza, Saadat, Maryam, Mazaheri, Elaheh, & Zandipour, Taiebeh. (2012). Effects of Group Counseling with Cognitive-Behavioral Approach on Reducing Divorce Children's Depression. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46(0), 77-81. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.05.072>
- Sakyi, Kwame S., Melchior, Maria, Chollet, Aude, & Surkan, Pamela J. (2012). The combined effects of parental divorce and parental history of depression on cannabis use in young adults in France. *Drug and Alcohol Dependence*, 126(1-2), 195-199. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.drugalcdep.2012.05.012>
- Gould, Madelyn S., Shaffer, David, Fisher, Prudence, & Garfinkel, Robin. (1998). Separation/Divorce and Child and Adolescent Completed Suicide. *Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry*, 37(2), 155-162. doi: <http://dx.doi.org/10.1097/00004583-199802000-00007>
- Felix, Daniel S., Robinson, W. David, & Jarzynka, Kimberly J. The influence of divorce on men's health. *Journal of Men's Health* (0). doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.jomh.2012.09.002>
- Wadsby, Marie, & Svedin, Carl Göran. (1996). Academic achievement in children of divorce. *Journal of School Psychology*, 34(4), 325-336. doi: [http://dx.doi.org/10.1016/S0022-4405\(96\)00018-0](http://dx.doi.org/10.1016/S0022-4405(96)00018-0)
- Yip, Paul S. F., Chen, Ying-Yeh, Yousuf, Saman, Lee, Carmen K. M., Kawano, Kenji, Routley, Virginia, . . . Wu, Kevin Chien-Chang. (2012). Towards a reassessment of the role of divorce in suicide outcomes: Evidence from five pacific rim populations. *Social Science & Medicine*, 75(2), 358-366. doi: <http://dx.doi.org/10.1016/j.socscimed.2012.03.009>

Systematic Review of the Impact of Divorce on Children in Recent Research

Faramarz Gholizadeh Ardakani ^{1*}, Yaqub Hemmati²

1. Professor of the University, PhD in Psychology, Islamic Azad University, Yazd Branch

2. Student of Master of Psychology, Islamic Azad University, Yazd Branch

Abstract

Divorce can be considered as a phenomenon that has long existed in different societies, but has grown steadily in recent years. Divorce can be a social provocation, used as a social tool in the face of failure in marriage. Many causes have been raised for divorce, including sexual, financial, and mental disorders. In various researches it has been determined that divorce has many negative consequences for couples, including divorce children. Problems such as academic failure, low self-esteem, various mental disorders, suicide, substance abuse, etc., are the effects of divorce on the children of couples. The results of a review of various researches showed that using various tools, interventions and psychological interventions can be used to treat the negative effects of divorce on children.

Keywords: Divorce, Divorce Children, Parents, Divorce Effects

* Corresponding author: Faramarzgholizade20@gmail.com